

سنخ‌شناسی اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره) در مقایسه با جریان‌های فکری معاصر جهان اسلام

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۰، شماره اول: ۳۱۲-۲۸۹

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

مهدی حسین‌زاده فرمی^۱

دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

محسن کرمانی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

پدیرش ۹۲/۱۰/۱۱

دریافت ۹۲/۳/۱۰

چکیده

آرا و اندیشه‌های «امام خمینی (ره)»، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران تأثیر فراوانی در رشد و شکوفایی جامعه‌ی کنونی ایران داشته است. با وجود این که ایشان مطالب و مباحث فراوانی در حوزه‌های گوناگون فکری از جمله فقه، عرفان، فلسفه و کلام دارند، اما اندیشه‌ی سیاسی ایشان همواره به مثابه یکی از مهم‌ترین منابع یا شاخص شناخت تفکر انقلاب اسلامی، مورد توجه محققان داخلی و خارجی بوده است. از این رو بررسی و تحلیل اندیشه‌ی سیاسی ایشان به عنوان نخستین ولی فقیه و رهبر سیاسی در جهان تشیع در عصر غیبت، به‌ویژه با عنایت به تحولات سیاسی اخیر در کشورهای اسلامی منطقه حائز اهمیت و اولویت است. در این اثنا، در این نوشتار کوشیده‌ایم اندیشه‌ی سیاسی امام را با توجه به جریان‌های فکری معاصر جهان اسلام مورد بازبینی قرار دهیم. در این پژوهش با تکیه بر روش اسنادی و کتابخانه‌ای، دو اثر از آثار گرانبهای امام (صحیفه‌ی امام و ولایت فقیه) به عنوان منابع اصلی اندیشه‌ی سیاسی امام انتخاب گردیده و براساس آن اندیشه‌ی سیاسی ایشان در قالب سنخ‌شناسی «ویلیام شپرد» مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. نتایج بررسی صورت گرفته بیان‌گر این امر است که اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی با توجه به جریان‌های فکری تشریح شده در سنخ‌شناسی شپرد، به جریان «شریعت‌گرایی اسلامی» نزدیک‌تر و شبیه‌تر از سایر جریان‌هاست.

کلیدواژگان: امام خمینی (ره)، اندیشه‌ی سیاسی، ویلیام شپرد، سنخ‌شناسی، نحله‌ی فکری، صحیفه‌ی امام، ولایت فقیه.

^۱ پست الکترونیکی نویسنده‌ی رابط: Mferemi@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

اندیشه در لغت به معنای فکر، تفکر و تأمل است، و نوعی فعالیت ذهنی انسان عاقل محسوب می‌شود که در جهت کشف نادانسته‌ها صورت می‌گیرد. در معنای خاص کلمه، اندیشه تفکری است که دارای ویژگی‌هایی هم‌چون انسجام، حد و حدود، مرزهای منطقی، قابلیت استدلال، مبنا و اهمیت باشد و در واقع هرگونه تفکر یا تلاش ذهنی را که به لحاظ منطقی منسجم و دارای مبنا و چارچوب موجه باشد، اندیشه می‌نامیم. در این چهارچوب، اندیشه‌ی سیاسی مجموعه‌ی آرا و عقایدی است که به شیوه‌ای عقلانی، منطقی، مستدل و فراتر از آرا و ترجیحات شخصی، درباره‌ی چگونگی سازمان دادن به زندگی سیاسی مطرح می‌گردد که می‌تواند توصیفی یا تبیینی باشد. از سوی دیگر اندیشمند سیاسی شخصی است که بتواند درباره‌ی آرا و عقاید خود، به شیوه‌ای عقلانی و منطقی استدلال کند، تا حدی که اندیشه‌های او دیگر صرفاً به عنوان آرا و ترجیحات شخصی به کار نرود. هدف اندیشه‌ی سیاسی نه صرفاً توضیح علمی، بلکه تغییر واقعیت همراه با سرزنش یا تأیید اخلاقی است (بشریه ۱۳۷۶: ۱۷). در واقع هدف اندیشه‌ی سیاسی پیدا نمودن راه‌های بالا بردن حوزه‌ی سیاسی و اداره‌ی بهتر جامعه می‌باشد (رجایی، ۱۳۷۲: ۱۴).

اندیشه‌ی سیاسی در جهان اسلام در قالب جریان‌های فکری موجود در جامعه‌ی اسلامی، اشکال متنوعی پیدا نموده است. از سوی دیگر در تاریخ اسلام نقاط عطف زیادی به چشم می‌خورد. به ویژه در دوران جدید، رویارویی جامعه‌ی اسلامی با تجدد، شکل اندیشه به خود گرفته است. در این دوران افرادی هم‌چون «علّامه نائینی» راهی برای توجیه پدیده‌ها و نهادهای مدرن ابداع کردند؛ و برخی دیگر در صدد طرد تجدد برآمدند. نقطه‌ی عطف دیگر، فروپاشی خلافت عثمانی پس از جنگ جهانی اول بود، که از یک طرف به شکل عملی باعث تجزیه‌ی کشورهای اسلامی شد و از طرف دیگر موجی جدید از جریان‌های فکری و سیاسی در جهان اسلام را به ارمغان آورد. در این دوران، سکولاریسم عربی با پرچم‌داری «علی عبدالرزاق» به توجیه تجدد پرداخت؛ و در مقابل سنت‌گرایی چون اخوان المسلمین قرار گرفت (حقیقت ۱۳۸۹: ۲۵۰). نقطه‌ی عطف دیگر پیروزی انقلاب اسلامی ایران و نقش و جایگاه محوری آن در جهان اسلام به ویژه با توجه به تحولات اخیر صورت گرفته در کشورهای اسلامی منطقه است (بنگرید به کچویان ۱۳۹۱).

اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره) که بی‌شک الهام‌گرفته از آیین اسلام، حکمت سیاسی اندیشمندان و حکیمان مسلمان، کلام اسلامی و همین‌طور تحت تأثیر عرفان اسلامی، عرفای مسلمان و فقه اسلامی است، در تشکیل نظام جمهوری اسلامی و مبانی آن نقش اساسی ایفا نمود. از این‌رو در این نوشتار به آرا و اندیشه‌ی سیاسی شخصیتی توجه می‌شود که خود عملاً اداره‌ی یک جامعه‌ی محصول انقلاب را تجربه کرده و این تجربه بدون شک بر آرای او و در تعمیق آن‌ها تأثیر گذاشته است (جمشیدی ۱۳۸۴: ۵). اندیشه‌ی سیاسی امام از مهم‌ترین اندیشه‌های انقلابی-اسلامی است که در دوره‌ی معاصر ارائه و عملی گردیده است. اندیشه‌ی سیاسی ایشان در راه‌گذار از اندیشه‌های اصلاحی به اندیشه‌های انقلابی دچار تحولی تدریجی شد. این همان نقطه قوت اندیشه‌ی سیاسی امام است که به کمک شناخت دقیق اوضاع، شرایط و امکانات و با استعانت از اصل پویای تفکر شیعی یعنی «اجتهاد» شکل گرفته است. امام با آن‌که درک عمیقی از اندیشه‌های اصلاحی داشت، اما آن‌ها را برای وضعیت معاصر مناسب ندید. این بود که با شناخت آسیب‌ها، آفت‌ها و بیماری‌های موجود در جامعه، سیاست ایران، جهان اسلام و حتی نظام بین‌الملل به ارائه‌ی راه‌حل، درمان و آفت‌زدایی این مجموعه پرداخت و موفق شد با تشکیل جمهوری اسلامی، راه را برای آفت‌زدایی از مجموعه‌ی کشورهای اسلامی و نظام بین‌الملل باز کند. با وجود این دغدغه‌ی اصلی این نوشتار شناخت و ارائه‌ی فهم عمیق از اندیشه‌ی سیاسی امام نیست، بلکه هدف سنخ‌شناسی اندیشه‌ی سیاسی امام در میان جریان‌های فکری معاصر در جهان اسلام است. در این راستا از چهارچوب مفهومی «شپرد» به عنوان چهارچوبی که دربردارنده‌ی تنوع جریان‌های فکری جهان اسلام است استفاده گردیده است. لازم به ذکر است که انتخاب چهارچوب فوق به معنای فروکاستن اندیشه‌ی سیاسی امام به سطح مفاهیم و معرف‌های آن نیست. به عبارت دیگر چهارچوب مفهومی مورد نظر به مثابه یک نوع مثالی (ایده‌آل تایپ)، تنها ابزاری است که امکان مقایسه‌ی اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره) را با جریان‌های فکری معاصر در جهان اسلام فراهم نموده است.

سنخ‌شناسی ویلیام شپرد از نحله‌های فکری اندیشمندان مسلمان

سنخ‌شناسی ویلیام شپرد در رابطه با نحله‌های فکری اندیشمندان مسلمان را باید از مطالعه و تحقیق تجربی او تحت عنوان «اسلام و ایدئولوژی»^۱ به دست آورد. وی در این تحقیق که حاصل

^۱ Islam and Ideology

مطالعه‌ی چندین ساله‌ی او در هفت کشور مسلمان است، استدلال می‌کند که استعمال برچسب‌هایی نظیر «بنیادگرایی»^۱، «مدرنیسم»^۲ و «سکولاریسم»^۳ در نوشته‌های مربوط به اسلام معاصر بسیار رایج است که نمی‌توان آن‌ها را به‌آسانی به‌کار برد یا آن‌ها را کنار گذاشت. شپرد با مطالعه‌ی کشورهای مسلمان به‌ویژه در منطقه‌ی خاورمیانه به این نتیجه رسیده بود که مانع اصلی بر سر راه شناخت مردم این منطقه و تمایلات آن‌ها همین عناوین است که بعضاً بدون تعریف روشن به‌کار می‌روند و غالباً نیز با نوعی پیش‌داوری و قضاوت ارزشی همراه می‌باشند؛ که این امر در مورد برچسب بنیادگرایی بیش‌تر صادق است. وی راه‌حل رفع این مشکل را چندبعدی دیدن مسئله و تقسیم‌بندی انواع نحله‌های فکری در بخش‌ها و دسته‌های مناسب با توجه به معانی خاص آن‌ها می‌داند (شپرد ۱۹۸۷: ۳۰۸). شپرد یکی از اهداف این کار را کمک به فهم واقعیاتی می‌داند که با این عناوین مطرح می‌شوند. وی می‌خواهد با معرفی و ارائه‌ی یک سنخ‌شناسی در مورد جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی^۴ به شناسایی انواع نحله‌های فکری بپردازد. شپرد اقسام اصلی نحله‌های فکری در بین مسلمانان را عبارت می‌داند از «سکولاریسم»، «تجددگرایی اسلامی»، «شریعت‌گرایی»، «سنت‌گرایی» و «سنت‌گرایی جدید» که هر کدام خود به شاخه‌های متنوعی تقسیم می‌شوند (شپرد ۱۹۸۷: ۳۱۰).

شپرد معتقد است که برای پرهیز از خطر برچسب‌گرایی، این طبقه‌بندی تا حدودی با «نمونه‌ی آرمانی»^۵ از نوع «وبری» هم‌خوانی دارد و حالت ساختارهای تحلیلی دارد که ممکن است همیشه با واقعیت انطباق نداشته باشد، ولی می‌تواند توان مقایسه و تجزیه و تحلیل را افزایش دهد. شپرد این طبقه‌بندی‌ها را به‌عنوان مقوله‌هایی کاملاً جدا در نظر نمی‌گیرد بلکه آن‌ها را به‌عنوان نقطه‌هایی بر روی یک طیف دوبعدی قرار می‌دهد که یک بعد آن «تمامیت‌خواهی اسلامی»^۶ و بعد دیگر آن «تجدد»^۷ است (شپرد ۱۹۸۷: ۳۱۰).

1- fundamentalism

2- modernism

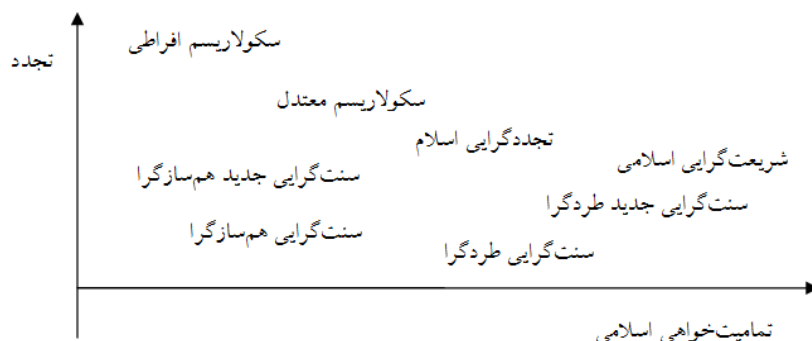
3- secularism

4- ideological orientation

5- ideal type

6- Islamic totalitarianism

7- modernity



«تمامیت‌خواهی اسلامی» عبارت است از تمایل و گرایشی که اسلام را نه صرفاً به‌عنوان یک مذهب در معنای محدود عقاید دینی، فرایض مخصوص و عبادات رسمی، بلکه علاوه بر این‌ها، اسلام را به‌عنوان یک روش کامل زندگی که متضمن رهنمون‌های سیاسی، اقتصادی و رفتار اجتماعی است در نظر می‌گیرد. این تلقی از اسلام عموماً در شکل داعیه‌ی مسلمانان به داشتن یک دولت اسلامی تجلی می‌کند که طی آن همه‌ی قوانین براساس شریعت وضع می‌شوند (شپرد ۱۹۸۷: ۳۰۸).

«تجدد» در نظر اول تمایلی است که طی آن، اعتبار اصلی را به تکنولوژی مادی جدید می‌بخشد و از تکنیک‌های جدید سازمان و تحول اجتماعی استفاده می‌کند و در عین حال تمایل نهادهای معاصر معینی نظیر پارلمان و احزاب سیاسی را می‌پذیرد و وجه نظرهای معینی چون جهت‌گیری‌های مثبت نسبت به تحول و آرمان‌های خاص مانند اعتقاد به «پیشرفت و ترقی» را به‌دیده‌ی قبول می‌نگرد (شپرد ۱۹۸۷: ۳۰۸).

«سکولاریسم» عبارت است از توجه کردن به این عالم ماده و چشم‌برگرفتن از مراتب دیگر وجود؛ مراتبی که ورای این حیات تنگ مادی ما قرار دارد. این چشم‌برگرفتن در دو جا تحقق پیدا می‌کند: یکی در اندیشه‌های ما و دیگری در انگیزه‌های ما. یعنی انسان دانستنی‌های خود را منحصر می‌کند به آنچه در این عالم ماده می‌شود دید و خواند؛ این سکولاریسم در اندیشه می‌شود. از طرف دیگر انگیزه‌های ما هم اگر سکولار بشود به این معنا است که انسان فقط برای همین حیات و برای همین معیشت دنیوی و همین دنیا جوش بزند و تمام تلاش خود را معطوف به این امر کند و به چیز دیگری نیندیشد و برای جای دیگر کار نکند و حساب دیگری در زندگی و در عمل و ذهن خودش برای هیچ‌چیز دیگری باز نکند (سروش ۱۳۸۲: ۷۹).

بحث از جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی نیز سکولاریسم عبارت است از هر بینشی که به‌صورت باز از هر نوع ایدئولوژی سوای از اسلام در اکثر عرصه‌های حیات عمومی استفاده می‌کند. در افراطی‌ترین شکل سکولاریسم یا عرفی‌گرایی در سرزمین‌های اسلامی عبارت است از آن دسته اندیشه‌ها که درصدد آن است تا در سراسر عرصه‌های عمومی و خصوصی جایگزین اندیشه‌های اسلامی شود. اما چنین سکولاریسمی در کشورهای مسلمان غیرمتعارف است. شکل رایج آن سکولاریسم معتدلی است که در پی تفکیک مذهب از سایر شئون زندگی عمومی است (شپرد ۱۹۸۷: ۳۰۹).

به‌طور کلی در مباحث توصیفی این بخش یادآوری این نکته ضروری است که تفکیک مفاهیم بایستی به‌درستی انجام شود تا تفاوت‌ها و حساسیت‌ها نادیده گرفته نشود. مثلاً در مقوله‌ی فوق، بین مفاهیم «سکولاریته»، «سکولاریسم» و «سکولاریزاسیون» تفاوت وجود دارد. «تجددگرایی»^۱ در واقع بیان آن گرایش و تمایلی است که در ملل غیرغربی پدید می‌آید و به‌دنبال خود سیاست‌های همه‌جانبه‌ای را ایجاد می‌کند. به‌این‌خاطر از مدرنیسم یا تجددطلبی می‌توان به‌مثابه ایدئولوژی خاصی یاد کرد که تحقق تجدد غربی در سراسر جهان را ممکن یا ضروری و به‌هرحال مطلوب می‌داند (بشیریه ۱۳۷۸: ۴). در زمینه‌ی جهت‌گیری اسلامی، تجددگرایی اسلامی بر این نظر تأکید دارد که اسلام مبنای ایدئولوژیکی کارآمدی برای زندگی عمومی تدارک می‌بیند. این موضع اسلام‌گرایانه، با تمایل بسیار نیرومند به انعطاف‌پذیری اسلام در میدان زندگی عمومی و استفاده از این انعطاف‌گرایی در تعبیر اسلام و بر وفق یا حداقل در ارتباط بسیار مثبت با یک یا چند ایدئولوژی غربی، تقویت و مشخص می‌شود (شپرد ۱۹۸۷: ۳۱۱).

«شریعت‌گرایی اسلامی» جهت‌گیری فکری بسیاری از کسانی است که غالباً «اصول‌گرا»^۲ خوانده می‌شوند. شریعت‌گرایان هم‌چون تجددگرایان حتی با اصرار بیش‌تری معتقدند که اسلام به‌همان اندازه که به شئون شغلی زندگی انسان می‌پردازد، به همه‌ی ابعاد زندگی اجتماعی او نیز توجه می‌نماید. آن‌ها با تجددگراها هم‌عقیده‌اند که اسلام انعطاف‌پذیر است و نیز خرافات غیراسلامی باید مردود شود. آن‌ها هم‌چنین ضرورت پرداختن به اجتهاد مطلق را می‌پذیرند، اما به آن مجال کمتری می‌دهند و تأکید می‌کنند که اجتهاد باید در شیوه‌ی خالص و اصیل اسلامی

^۱- Modernism

^۲- fundamentalism

آن به کار رود و عنصر اجتهاد نباید قانون دست‌ساخت بشری را جایگزین قانون الهی سازد. هدف اصیل و واقعی این نحله فهم «قانون عدلیه‌ی الهی» است (شپرد ۱۹۸۷: ۳۱۱). در «سنت‌گرایی»^۱ و سنت‌باوری، ما به عرصه‌ی آگاهی قدم می‌گذاریم و با رویکردی آگاهانه با مقولات سنتی مواجهه می‌شویم. سنت‌گرایی نوعی واکنش در برابر تهدیدی است که سنت و زیست سنتی را هدف قرار داده است و البته مستلزم نگاه بیرونی به سنت و درنظرگرفتن آن به‌عنوان یک موضوع است. این امر می‌تواند نشانه‌ی «تزلزل هویت سنتی» و البته واکنش در برابر آن تلقی شود (افشارکهن ۱۳۸۳: ۴۵). زمانی که سنت‌گرایی درصدد درگیر شدن عمیق با مسائل غربی می‌شود تبدیل به «سنت‌گرایی جدید»^۲ می‌گردد. سنت‌گرایی جدید می‌تواند به‌عنوان مرحله‌ی انتقالی به سکولاریسم یا تجددگرایی اسلامی و یا شریعت‌گرایی تلقی شود و همچنین به‌عنوان نوع مشخص و بادوامی موجودیت به دست آورد (شپرد ۱۹۸۷: ۳۲۰).

معرف‌های هر یک از این گرایش‌های فکری در جدول زیر ارائه گردیده است.

جدول شماره‌ی ۱- نحله‌های فکری و معرف‌های طیف ویلیام شپرد

معرف‌ها / نحله‌های فکری	اجتهاد	جهت‌گیری فکری	ایده‌ی پیشرفت	گرایش این‌جهانی (آن‌جهانی)	نظراً عدل	دین	مدرنیته	سنت	مشکلات جواب اسلامی
سکولاریسم	رد هرگونه ملاحظاتی دین در اقتباس از غرب	مردن	تکیه بر پیشرفت با تبعیت از یک مدل غربی	گرایش این‌جهانی	عدم دانیایی حاکمیت شریعت اسلام (اسلام دین حکومت نیست)	دین به‌عنوان میراث فرهنگی و جزئی از هویت ملی	موقف کامل یا مدرنیته	منسوخ داشتن سنت اسلامی	تبعیت کامل از یک مدل غربی برای حل مشکلات
تجددگرایی اسلامی	تعطیل‌پذیری شایسته، ارزش فانی شدن زیاد برای عقل و اجتهاد	نوادیده‌شانه	پذیرش کامل ایده‌ی پیشرفت و ترقی با ترکیب اسلام و غرب	گرایش این‌جهانی و آن‌جهانی	تأکید بر تنقیح مدرن و اسلامی با مشی مداراجویانه و مسالمت‌آمیز	اسلام به‌عنوان هم‌مذهب و (شیعیه/سکولاریستی) و تعبیر انقلابی از دین	دفاع از مدرنیته، موانعهای اسلام با مدرنیته با احیای مدرنیته	نقد سنت اسلامی یا تکیه بر مدرنیته	داخلی داشتن مشکلات جهان اسلام
شریعت‌گرایی	اجتهاد در موارد غیر نص	اصول‌گرایانه	پذیرش ایده‌ی ترقی با تبعیت از یک مدل اسلام مغربی	توجه اسلام به مصلحت نهاد زندگی (دنیا و آخرت)	اصولی ساختن فوری شریعت با مشی انقلابی و خشونت‌آمیز	اسلام به‌عنوان هم‌مذهب و هم‌پیشرو (اسلام) (پیشرو/زیک)	پذیرش بعضی عناصر مدرن با احیای اسلام، پرهیز از انقلاب اسلامی یا پیشرو/زیک‌های غربی	حذف عرفات از سنت یا تکیه بر اسلام و انتساب آن به استعمار غرب	استعمار غرب (خارجی) داشتن مشکلات جهان اسلام و انتساب آن به استعمار غرب
سنت‌گرایی جدید	اجتهاد در جاهای سنت	اصول‌گرایانه	نهاد بسیار کم به ایده‌ی پیشرفت به‌سبک غربی	گرایش به قنصلو آن‌جهانی	مخالفت با تنقیح تفکر مدرن و اسلامی و توجه به فکر سنتی، اعتقاد به تحول تاریخی	قرابت استوره‌ای و نمادی از سنت و دین	احتیاط شایسته در اقتباس از غرب، نقد تمدن غرب و دفاع از سنت اسلامی در برابر غرب	نقد مدرنیته یا تکیه بر سنت اسلامی	داخلی داشتن مشکلات جهان اسلام
سنت‌گرایی	اجتهاد محدود در چهارچوب سنت	اصول‌گرایانه	مخالفت شایسته با ایده‌ی پیشرفت به‌سبک غربی	گرایش به قنصلو آن‌جهانی	مخالفت با تنقیح تفکر مدرن اسلامی، رویه‌رو شدن با غرب با حضور و راز	قرابت استوره‌ای و نمادی از سنت و دین	مخالفت شایسته با مدرنیته	حفظ سنت‌ها	خارجی داشتن مشکلات جهان اسلام

^۱- traditionalism

^۲- new traditionalism

روش تحقیق

برای نگارش این مقاله از روش «اسنادی و کتابخانه‌ای» که از زمره‌ی روش‌های غیرمزاحم است (ساروخانی ۱۳۸۵: ۲۵۴) استفاده گردیده است. جهت جمع‌آوری اطلاعات مناسب و مقتضی دو اثر از آثار گران‌بهای امام خمینی به‌نام‌های *صحیفه‌ی امام* در چند جلد و کتاب *ولایت فقیه* که دربردارنده‌ی اندیشه‌های سیاسی ایشان می‌باشند انتخاب گردیده است. *صحیفه‌ی امام* یک مجموعه‌ی ۲۲ جلدی است که بیانیه‌ها، پیام‌ها، فرمان‌ها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های سیاسی-اجتماعی امام از سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۶۸ را دربردارد. این اثر بیان‌گر افکار، اندیشه، راهبرد، مدیریت و سازوکارهای سیاسی ایشان در دوره‌ی نهضت و نظام اسلامی ایران است. کتاب *ولایت فقیه* نیز مجموعه‌ی سیزده سخنرانی است که حضرت امام در فاصله‌ی اول بهمن ۱۳۴۸ تا بیستم بهمن ۱۳۴۸ در ایام اقامت در «نجف اشرف» ایراد فرموده و در آن مبانی فقهی و علمی نظریه‌ی ولایت فقیه را همراه با ضرورت تشکیل حکومت اسلامی تشریح و تبیین نموده‌اند.

تحلیل اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره)

به‌منظور تحلیل و مطالعه‌ی جایگاه اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی، بااستفاده از یک رویکرد تطبیقی-مقایسه‌ای، اندیشه‌ی سیاسی ایشان را بر مبنای معرف‌های تبیین‌شده در طیف شپرد مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌ایم و نتایج آن در ذیل ارائه گردیده است.

(۱) اجتهاد

در بحث از اجتهاد و نحوه‌ی بازسازی اسلام در عصر حاضر سکولاریست‌ها در پی آن هستند تا نقش مذهب را در شئون و امور عمومی زندگی مسلمانان به حداقل ممکن کاهش داده و محدود به حوزه‌ی خصوصی زندگی مسلمانان کنند. در میان تجددگرایان اسلامی تمایل بسیار نیرومندی به انعطاف‌پذیری اسلام در میدان زندگی وجود دارد و آن‌ها از این انعطاف‌گرایی در تفسیر اسلام بر وفق یا حداقل در ارتباط بسیار مثبت با یک یا چند ایدئولوژی غربی استفاده می‌کنند. آن‌ها هم‌چنین نقش زیادی برای عقل و اجتهاد قائل می‌شوند تا بتوانند به این وسیله اسلام را مدرن کنند. شریعت‌گرایان با تجددگراها در این موضوع که اسلام انعطاف‌پذیر است، هم‌عقیده‌اند. آن‌ها هم‌چنین ضرورت پرداختن به اجتهاد مطلق را می‌پذیرند اما به آن مجال کمتری می‌دهند و تأکید می‌کنند که اجتهاد باید در شیوه‌ی خالص و اصیل اسلامی آن به‌کار رود و عنصر اجتهاد نباید

قانون دست‌ساخت بشری را جایگزین قانون الهی سازد. از دیدگاه آنان اسلام انعطاف‌پذیر است اما سیال نیست. اگر متن معتبر (نص) در موردی موجود باشد در آن صورت حکم ناشی از متن قطعی و تعیین‌کننده است و جایی برای اجتهاد وجود ندارد. آن‌جا که نص وجود ندارد زمان اجتهاد فرامی‌رسد؛ متاهی برحسب اصول مدونی که از سوی خداوند راهنمایی شده است. درمقابل سنت‌گراها در پرداختن به تغییرات اجتماعی همواره راه‌های خاص خود را دنبال کرده‌اند؛ آن‌ها احساس می‌کنند که راه‌های مقبول گذشته برای تغییر کافی است. سنت‌گرایان جدید نیز باتوجه به این‌که اجتهاد در چهارچوب سنت امکان‌پذیر است، اجتهاد را در چارچوب سنت می‌پذیرند.

امام خمینی (ره) همواره با تأکید بر ضرورت احیای اجتهاد برای حل معضلات کشور معتقد بود که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها ناکافی است و باید به نقش زمان و مکان در اجتهاد توجه بیشتری گردد. امام در این‌باره می‌فرمایند: «اما در مورد روش تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، این‌جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جوهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم، اجتهاد به همان سبک صحیح است؛ ولی این به این معنی نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به‌ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد در یک نظام ممکن است حکمی جدید پیدا کند. به این معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم تفاوتی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که اجباراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد» (بنگرید به صحیفه‌ی امام، ج ۲۱: ۹۸) این نگرش نقش مهمی در اندیشه‌ی سیاسی امام و توانمندی ایشان در ارائه‌ی راه‌حل برای مشکلات بعد از انقلاب اسلامی داشت.

بنابراین تأکید امام بر اصل زمان و مکان از ابتکارات فقهی ایشان است. این اصل توانمندی‌های اساسی به فقهای شیعی برای رویارویی با مسائل مهم و جدید جهان معاصر اعطا کرده است. فقه سیاسی و اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره) نیز مبتنی بر نگرش فقهی و اصولی ایشان می‌باشد که متأثر از دیدگاه عقل‌گرایانه‌ی «اصولیان» است (فوزی ۱۳۸۴: ۸۴). برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های فکری فقهای اصولی شیعه از جمله امام خمینی (ره) را می‌توان در این موارد خلاصه کرد؛ ۱) اعتقاد به حجیت عقل، ۲) اعتقاد به اجتهاد و نقش زمان و مکان در آن،

۳) پذیرش اصل تبعیت احکام از مصلحت و مفسده، ۴) پذیرش قابلیت انعطاف‌پذیری احکام بر اساس شرایط، ۵) اعتقاد به حجیت علم احتمالی (ظن) در مواردی که رسیدن به حکم شرعی قطعی ممکن نیست، ۶) پذیرش بنای عقلا و عرف در تعیین مصادیق حکم شرعی، ۷) استفاده از اصول عملیه در مواردی که نصی وجود ندارد و ۸) حوزه‌ی فراغ و اباحه. نتیجه این‌که باتوجه به جهت‌گیری نحله‌های فکری موجود و جایگاه اجتهاد در اندیشه‌ی سیاسی امام، نزدیک‌ترین نحله‌ی فکری به اندیشه‌ی سیاسی ایشان «شریعت‌گرایی» است؛ زیرا اندیشه‌ی سیاسی امام مبتنی بر نگرش فقهی و اصولی عقل‌گرایان اصولی است و خصیصه‌های فقهی و اصولی عقل‌گرایان با دیدگاه شریعت‌گرایان در اعتقاد به حجیت عقل، انعطاف‌پذیری احکام برحسب شرایط زمان و مکان، اعتقاد به حجیت علم احتمالی (ظن) و استفاده از اصول عملیه در مواردی که نصی وجود ندارد، قرابت و نزدیکی بسیار زیادی دارد.

۲) جهت‌گیری فکری

در زمینه‌ی جهت‌گیری فکری، سکولاریسم یک گرایش فکری کاملاً مدرن و غیر مذهبی دارد و به‌دنبال آن است که در اکثر عرصه‌ها جایگزین مذهب شود، درمقابل تجددگرایان اسلامی نقش ویژه‌ای برای اسلام قائل هستند. آن‌ها خواستار جدایی مذهب از صحنه‌ی عمومی زندگی مسلمانان نیستند بلکه در پی آنند که اسلام را از درون قالب‌های کهنه و سستی خارج کنند تا بتوانند به اجرای بهتر احکام در شرایط جدید بپردازند. برخلاف این دو نحله، شریعت‌گرایان و سنت‌گراها یک جهت‌گیری کاملاً اصول‌گرایانه دارند. آن‌ها نقش اصلی را به «کتاب و سنت» می‌دهند؛ هرچند که شریعت‌گرایان و سنت‌گراها در بنیادهای فکری‌شان با یک‌دیگر اختلاف نظر دارند. زیرا شریعت‌گرایان برخلاف سنت‌گراها، سنت اصیل و اولیه‌ی پیامبر(ص) و ائمه‌ی اطهار(ع) را مبنای فکر و عمل خودشان قرار می‌دهند؛ درحالی‌که مبنای فکری سنت‌گراها، سنت‌های موجود و حاکم در جامعه است.

در این راستا امام خمینی(ره) در بیان و معرفی حکومت اسلامی می‌فرمایند: «حکومت اسلامی هیچ یک از انواع طرز حکومت‌های موجود نیست؛ مثلاً استبدادی نیست، که رئیس دولت، مستبد و خودرأی باشد... حکومت اسلامی نه استبدادی است، و نه مطلقه، بلکه «مشروطه» است. البته نه مشروطه به‌معنای متعارف فعلی آن که تصویب قوانین تابع آرای اشخاص و اکثریت باشد. مشروطه از این جهت که حاکمان در اجرا و اداره مقید به یک

«مجموعه شروط» هستند که در قرآن و سنت رسول اکرم (ص) معین گردیده است، مجموعه‌ی شروط همان احکام و قوانین اسلام است که باید اجرا و رعایت شود» (صحیفه‌ی امام ج ۸: ۴۳). بنابراین امام خمینی (ره) مبنای حکومت را مبتنی بر قوانین و موازین الهی و دینی می‌داند. حکومت اسلامی در اندیشه‌ی ایشان حکومتی است که هدف آن تحقق اسلام است، قوانین آن قوانین اسلام است و اساس و شالوده‌ی آن را نیز یک جهان‌بینی مذهبی-اسلامی تشکیل می‌دهد. بر همین اساس اندیشه‌ی سیاسی امام از لحاظ جهت‌گیری فکری «اصول‌گرا» و در دسته‌ی «شریعت‌گرایان» قرار می‌گیرد. وجه تمایز اصول‌گرایی امام با اصول‌گرایی سنت‌گرایان، در اعتقاد امام به احکام مبنایی اسلام و مرجعیت سنت نبوی و معصومین (ع) در اندیشه‌ی سیاسی امام است، که ایشان را از نحله‌ی سنت‌گرایی جدا می‌سازد.

۳) ایده‌ی پیشرفت

ایده‌ی پیشرفت و ترقی در نحله‌ی فکری سکولاریست‌ها نقش محوری دارد. آن‌ها در پی پیشرفت و قدرت ملی کشور هستند و بر این باورند که راه وصول به این اهداف مستلزم تبعیت از یک مدل اصالتاً غربی است. تجددگرایان اسلامی هم با سکولاریست‌ها در پذیرش ایده‌ی پیشرفت و ترقی جامعه موافق هستند ولی در اصل به دنبال پیوند زدن مظاهر سنت اسلامی با ایده‌ها و اعمال غربی هستند تا از این راه زمینه‌ی رشد و پیشرفت جامعه را فراهم سازند. برعکس این دو نحله، شریعت‌گرایان هرچند که ایده‌ی پیشرفت را قبول دارند اما راه وصول به آن را تبعیت از یک مدل اسلامی می‌دانند. در مقابل، در میان سنت‌گراها ایده‌ی پیشرفت و ترقی جایگاهی ندارد؛ چراکه آن‌ها خواستار حفظ و پایداری میراث و فرهنگ به‌جای‌مانده از گذشتگان هستند. آن‌ها با هرگونه تغییر و نوآوری که تهدیدکننده‌ی این میراث باشد مخالفت می‌ورزند؛ هرچند که سنت‌گرایان جدید در مواجهه با غرب و مدرنیته تمایلی هرچند محدود به پیشرفت و ترقی پیدا کرده‌اند.

امام خمینی (ره) در اندیشه‌ی سیاسی خویش خواهان پیشرفت و ترقی جامعه‌ی اسلامی هستند اما نه در چهارچوب یک مدل غربی، بلکه براساس یک مدل ایرانی-اسلامی. در ادامه سخنان ایشان پیرامون مطلب فوق آورده می‌شود: «باید ایرانی بسازیم که بتواند بدون اتکا به آمریکا، شوروی و انگلستان (این جهان‌خواران بین المللی) استقلال سیاسی، نظامی و اقتصادی خویش را به دست گیرد و روی پای خود بایستد» (بنگرید به صحیفه‌ی امام ج ۹: ۲۵). «باید به

بدخواهان ثابت کنیم که ما هم آدمیم، که ما هم هستیم در این دنیا، شرق هم یک جایی است، همه‌اش غربی نیست، شرق هم یک جایی هست که خزانش بیش‌تر از همه‌جا بود؛ طب از شرق به غرب رفته، تمدن از شرق به غرب رفته، لکن تبلیغات چه بوده است که ما را به عقب زدند (بنگرید به *صحیفه‌ی امام ج ۱۱: ۱۹۳*). «شرق یک فرهنگ اسلامی دارد که مرفقی‌ترین فرهنگ است، این فرهنگ اسلامی باید تمام احتیاجاتش را اصلاح کند و دستش را پیش غرب دراز نکند» (بنگرید به *صحیفه‌ی امام ج ۱۰: ۱۷*). «یک مملکت اگر بخواهد مستقل بشود چاره‌ای ندارد جز این‌که این تفکر را که ما باید از خارج چیزی وارد بکنیم را از سرش بیرون کند» (بنگرید به *صحیفه‌ی امام ج ۱۴: ۷۶*). «بر فرهنگ اسلام تکیه زنید، با غرب و غرب‌زدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید و بر روشنفکران غرب‌زده و شرق‌زده بتازید و هویت خویش را دریابید» (بنگرید به *صحیفه‌ی امام ج ۱۳: ۸۳*). «اگر ما بیدار بشویم که ما هم انسانی هستیم مثل سایر انسان‌ها... بیداری اراده پیش‌آید که ما بخواهیم خودمان وسایل زندگی اجتماعی خودمان را فراهم کنیم و با کوشش خودمان کارهای خودمان را انجام بدهیم، مدتی می‌گذرد و خودمان صنعت‌گر خواهیم شد. اول باید باورتان بیاید که ما هم انسان هستیم، ما هم قدرت تفکر داریم ما هم قدرت صنعت داریم و این قدرت در همه‌ی اقشار بشر بالقوه وجود دارد، اگر این باور برای شما پیدا شد زود تسلیم قدرت‌های بزرگ نخواهید شد» (بنگرید به *صحیفه‌ی امام ج ۲۲: ۲۰۶*).

امام خمینی (ره) در جایگاه رهبر یک جامعه و در نقش یک اندیشمند سیاسی اهمیت ویژه‌ای برای پیشرفت و تعالی جامعه‌ی اسلامی قائل هستند. در نگرش ایشان با آن‌که پیشرفت و توسعه‌ی متوازن و متناسب در همه‌ی ابعاد پذیرفته شد، لیکن فرآیند پیشرفت و توسعه باید درمجموع به استحکام پایه‌های دین، تقویت مبانی اسلامی-ایرانی و تربیت و هدایت انسان منتهی گردد. در اندیشه‌ی امام پیشرفت و توسعه چه پیشرفت و توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی و چه پیشرفت و توسعه‌ی علمی و فرهنگی علاوه بر آن‌که اصول، مبانی و ملزومات خاص خود را دارد، می‌بایست برآورنده‌ی اهدافی بلند و متعالی باشد که از بطن اندیشه‌ی دینی ناشی می‌شود و در رأس همه، خداپاوری و حاکمیت توحید در جامعه است. بر همین اساس مدل و الگوی پیشرفت جامعه در اندیشه‌ی سیاسی امام یک مدل کاملاً اسلامی-ایرانی است، همین امر

اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی را در زمینه‌ی مورد بحث، در راستای نحله‌ی فکری «شریعت-گرای» قرار می‌دهد.

۴) گرایش این جهانی / آن جهانی

در زمینه‌ی توجه و عنایتی که این نحله‌های فکری به قلمرو دنیا و آخرت نشان می‌دهند، سکولاریست‌ها عمده‌ی تمرکز خود را به امور و مسائل این جهانی قرار داده‌اند. سعادت و کمال اخروی در این نحله‌ی فکری جایگاهی ندارد. تجددگرایان اسلامی در مقایسه با سکولاریست‌ها علاوه بر توجه به قلمرو این جهان، گرایش آن جهانی نیز دارند. هرچند که توجه تجددگرایان نیز بیش‌تر معطوف به این جهان است. گرایش و توجه هم‌زمان به دنیا و آخرت از خصوصیات بارز اسلام‌گرایان رادیکال است. شریعت‌گرایان به‌ویژه شیعه سعی در ترکیب قلمرو هر دو جهان دارند. در نحله‌ی فکری سنت‌گرایان قلمرو این جهان از اعتبار و ارزش کمتری برخوردار است. این نحله به‌نظر می‌رسد که از دیگر نحله‌ها بیش‌تر گرایش آخرت‌گرا دارد.

در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره) حکومت مورد نظر به تعبیری حکومتی «سعادت‌محور» و متولی دنیا و آخرت انسان است؛ لذا به تمام ابعاد وجودی انسان اعم از فردی و جمعی و یا روحی و جسمی آن توجه دارد. این حکومت می‌بایست علاوه بر تأمین رفاه، امنیت، استقلال و آزادی مردم در پی تعلیم و تربیت آنان و راه بردن آن‌ها به‌سوی کمال و سعادت نیز باشد و درواقع در نگاه ایشان، سیاست جز راه بردن مردم در مسیر کمال و سعادت چیزی نیست (فوزی ۱۳۸۴: ۱۶۸). برای نمونه حضرت امام می‌فرمایند: «همه‌ی این‌ها مقدمه‌ی این است که یک آرامش در این بلاد پیدا بشود و به دنبال این آرامش یک سیر روحی پیدا بشود، یک هدایت به‌سوی خدا پیدا بشود، آن چیزی که اساس است مسیر الی‌الله است، توجه به خداست، همه‌ی عبادات برای اوست. همه‌ی زحمات انبیا از آدم تا خاتم برای این معنا است که مسیر الی‌الله باشد» (بنگرید به صحیفه‌ی امام ج ۱۹: ۵۱). در اندیشه‌ی سیاسی امام، قلمرو این جهان مقدمه‌ای برای رسیدن به آن جهان است. لذا اندیشه‌ی تشکیل حکومت که بارزترین وجه اندیشه‌ی سیاسی ایشان است از همین امر نشأت می‌گیرد. ضرورت تشکیل حکومت در جامعه، تأمین امنیت عمومی و رفاه نسبی اعضای جامعه در تمامی ابعاد حیات اجتماعی و فردی است؛ چراکه بدون امنیت و رفاه، اعضای جامعه نمی‌توانند استعدادهای خویش را شکوفا سازند و در مسیر

کمال و سعادت دنیوی و اخروی قرار گیرند. در نتیجه نزدیک‌ترین جهت‌گیری فکری به اندیشه‌ی سیاسی امام در این زمینه «شریعت‌گرایی» است.

۵) تاکید بر نظر / عمل

تشکیل یا عدم تشکیل حکومت اسلامی همواره یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در میان نحله‌های فکری مسلمانان بوده است. سکولاریست‌ها اساساً اسلام را دین حکومت نمی‌دانند و معتقدند که حاکمیت نه برای خدا که مبتنی بر ملت یا مردم است. از نظر سکولاریست‌ها بهترین نمونه در این مورد کشور «ترکیه» است که در سال ۱۹۲۸ فرازی از قانون اساسی خود را که براساس آن اسلام را دین حکومت تلقی می‌کرد، حذف کرد. تجددگرایان اسلامی کمتر داعیه‌ی حکومت اسلامی داشته‌اند و بیش‌تر در پی تلفیق تفکر و اندیشه‌ی مدرن با اسلام در چهارچوب یک مشی مدارجویانه و مسالمت‌آمیز بوده‌اند. درمقابل این جهت‌گیری، نحله‌ی شریعت‌گرایان قرار دارند که به دنبال تشکیل حکومت اسلامی و اجرای شریعت به واسطه‌ی یک مشی انقلابی هستند. داعیه‌ی تشکیل و داشتن حکومت اسلامی در بین سنت‌گرایان نیز وجود دارد؛ ولی آن‌ها طرف‌دار شیوه‌های انقلابی نیستند.

امام خمینی(ره) در کتاب ولایت فقیه خود در ضرورت تشکیل حکومت اسلامی بیان می‌دارند که: «شرع و عقل حکم می‌کند که نگذاریم وضع حکومت‌ها به همین صورت ضداسلامی یا غیراسلامی ادامه پیدا کند. دلایل این کار واضح است؛ چون برقراری نظام سیاسی غیراسلامی به معنای بی‌اجرا ماندن نظام سیاسی اسلام است. هم‌چنین به این دلیل که هر نظام سیاسی غیراسلامی نظام شرک‌آمیز است، چون حاکمیت طاغوت است؛ و ما موظفیم آثار شرک را از جامعه‌ی مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم. و باز به این دلیل که موظفیم شرایط اجتماعی مساعدی برای تربیت افراد مؤمن و بافضیلت فراهم سازیم. و این شرایط درست ضد شرایط حاکمیت طاغوت و قدرت‌های نارواست. شرایط اجتماعی که ناشی از حاکمیت طاغوت و نظام شرک‌آمیز است، لازمه‌اش همین فساد است که می‌بینید. این همان «فساد فی الارض» است که باید از بین برود؛ و عوامل آن به سزای عمل خود برسند. در این شرایط اجتماعی و سیاسی، انسان مومن، متقی و عادل نمی‌تواند زندگی کند و بر ایمان و رفتار صالحش باقی بماند و دو راه در برابر خود دارد؛ یا اجباراً اعمالی مرتکب شود که شرک‌آمیز و ناصالح است یا برای این‌که چنین اعمالی مرتکب نشود و تسلیم اوامر و قوانین طواغیت نشود با

آن‌ها مخالفت و مبارزه کند تا آن شرایط فاسد را از بین ببرد. ما چاره‌ای نداریم جز این‌که روابط خود را با مؤسسات دولتی آن‌ها قطع کنیم و با آن‌ها همکاری نکنیم، از هرگونه کاری که کمک به آن‌ها محسوب می‌شود پرهیز کنیم، این دستگاه‌های حکومتی فاسد و فاسدکننده را از بین ببریم و هیأت‌های حاکمه‌ی خائن، فاسد و ظالم را سرنگون کنیم. این وظیفه‌ای است که همه‌ی مسلمانان در یکایک کشورهای اسلامی باید انجام بدهند و انقلاب سیاسی اسلامی را به پیروزی برسانند» (ولایت فقیه ۱۳۸۷: ۳۵). بنابراین باتوجه به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی آن هم به‌صورت انقلابی در اندیشه‌ی سیاسی امام، نزدیک‌ترین نحله‌ی فکری به اندیشه‌ی ایشان «شریعت‌گرایی» است. البته دیدگاه سنت‌گرایان جدید طردگرا هم با اندیشه‌ی سیاسی امام در این مورد هم‌سو است، زیرا آن‌ها نیز خواهان عمل انقلابی هستند. نکته‌ای که در این‌جا ضرورت بیان دارد این است که امام مخالف حرکت‌های خشونت‌آمیز بودند و همواره درطول نهضت مردم و مبارزان انقلابی را از درگیری و اعمال رفتارهای خشونت‌آمیز منع می‌فرمودند (پناهی ۱۳۸۹: ۸۵).

۶) نوع برداشت از دین

در بحث از جایگاه دین در میان این نحله‌های فکری، سکولاریست‌ها یک نگاه ابزاری به دین دارند. آن‌ها دین را به‌عنوان یک میراث بشری درنظر می‌گیرند که می‌توان از آن در جهت اهداف ناسیونالیستی و تقویت هویت ملی استفاده کرد. در مقایسه با سکولاریسم، تجددگرایی اسلامی تأکید بر این نظر دارد که اسلام مبنای ایدئولوژیکی کارآمدی برای زندگی عمومی تدارک می‌بیند. شریعت‌گرایان نیز هم‌چون تجددگرایان حتی با اصرار بیش‌تری معتقدند که اسلام به همان اندازه که به شئون شغلی زندگی انسان می‌پردازد به دیگر ابعاد زندگی اجتماعی او نیز توجه می‌نماید. هر دو نحله‌ی فکری در انعطاف‌پذیری و حذف خرافات غیراسلامی هم‌عقیده هستند؛ اختلاف آن‌ها در این موضوع است که تجددگرایان برخلاف شریعت‌گرایان دارای وحدت ایدئولوژیک نمی‌باشند. برداشت تجددگراها از اسلام بر وفق یا حداقل درارتباط نزدیک با چند ایدئولوژی غربی مشخص می‌شود. برداشت سنت‌گرایی از دین نیز یک قرائت و برداشت اسطوره‌ای و نمادین از سنت و دین به‌عنوان اسلام معنوی و عرفانی است.

اما اسلام در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره) دینی کامل و جامع است؛ دینی که براساس قسط و عدالت آمده است. لذا در ارتباط تنگاتنگ با زندگی این جهانی انسان است و برای همه‌ی

ابعاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حیات او برنامه دارد. به بیان ایشان: «اسلام مکتبی است که بر خلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است» (بنگرید به *صحیفه‌ی امام* ج ۲۱: ۴۰۲). «اسلام برای این انسان همه‌چیز است، یعنی از طبیعت تا ماوراء طبیعت تا عالم الوهیت، مراتب دارد، اسلام تز دارد، برنامه دارد، اسلام می‌خواهد انسان را یک انسانی بسازد جامع؛ یعنی رشد به آن‌طور که هست بدهد. حظ طبیعت دارد، رشد طبیعی به او بدهد، حظ روحانیت دارد، رشد روحانیت به او بدهد، همه‌ی حد و حدودی که انسان دارد و به‌نقص است، الان نرسیده است. ادیان آمده‌اند که این میوه‌ی نارس را رسیده‌اش کنند، این میوه‌ی ناقص را کاملش کنند» (بنگرید به *صحیفه‌ی امام* ج ۲: ۱۵۵) و «مذهب اسلام هم‌زمان با این‌که به انسان می‌گوید خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کند، به او می‌گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسان‌ها چگونه تنظیم کند و حتی جامعه‌ی اسلامی با سایر جوامع چگونه روابطی باید برقرار نماید، هیچ حرکتی و عملی از فرد یا جامعه نیست، مگر این‌که مذهب اسلام بر آن حکمی مقرر داشته است» (بنگرید به *صحیفه‌ی امام* ج ۴: ۱۶۷). نتیجه این‌که در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره) مطابق با نحله‌ی شریعت‌گرایان، دین اسلام یک دین کامل و جامع است و برای همه‌ی ابعاد و شئون حیات دنیوی و اخروی انسان برنامه دارد. احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کامل اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی هرچه بشر نیاز دارد فراهم آمده است.

۷) نحوه‌ی مواجهه با تجدد

درحقیقت نحله‌های فکری موجود براساس واکنش‌شان به سنت و تجدد شکل گرفته‌اند. در مواجهه‌ی این نحله‌های فکری با تجدد، سکولاریسم هم‌سو و موافق با تجدد است، زیرا اندیشه‌ی سکولاریسم برآمده از غرب و تفکر مدرنیته است. آن‌ها در اساس و بنیاد اندیشه و عمل خود خواستار جایگزین کردن تجدد و دستاوردهای آن با فرهنگ و تمدن اسلامی هستند. تجددگراها خواستار فرهنگ مادی و غیرمادی غرب هستند. درحقیقت آن‌ها به‌سوی مدرن کردن اسلام گام برمی‌دارند و می‌خواهند که اسلام در مقابل مدرنیته‌ی غربی پایگاه کسب کند. شریعت‌گرایان در پذیرش تکنولوژی مادی مدرن مشکلی ندارند و بسیاری از فرآورده‌های مادی

غرب را اقتباس می‌کنند. اما در حوزه‌ی فرهنگی و ارزشی شریعت‌گرایان موضعی تدافعی در مقابل تجدد دارند، زیرا آن‌ها بر این باورند که ارزش‌های فاسدکننده‌ی تجدد نابودکننده‌ی ارزش‌های ناب اسلامی هستند. سنت‌گراها نیز در قالب یک رویکرد سلبی نسبت به تجدد عمل می‌کنند. مخالفت با تجدد و ظواهر آن و مراقبت و دفاع از سنت اسلام، بارزترین خصیصه‌ی این نحله‌ی فکری است.

جهت‌گیری و برخورد امام خمینی (ره) در مواجهه با غرب و تجدد از نوع واکنشی و تدافعی نبوده است. ایشان مخالف پیشرفت‌های تمدن غرب نبوده‌اند. از دیدگاه امام اسلام پیشرفت و تمدن را قبول دارد و برای آن کوشش می‌کند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «اگر مراد از مظاهر تمدن نوآوری‌ها، اختراعات، ابتکارات و صنعت پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد هستند، هیچ‌گاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی دیگری با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد؛ بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن است. اگر مراد از تجدد و تمدن به آن معنی است که بعضی روشنفکران حرفه‌ای می‌گویند که آزادی در تمام منکرات و فحشا حتی هم‌جنس‌بازی و از این قبیل، تمام ادیان آسمانی و دانشمندان و عقلا با آن مخالفند، گرچه غرب و شرق‌زدگان به تقلید کورکورانه آن را ترویج می‌کنند» (بنگرید به صحیفه‌ی /امام ج ۲۱: ۴۰۶). به‌عنوان شاهد تجربی دیگر ایشان در تاریخ ۲۰ آذر ماه ۱۳۴۱ خطاب به «اسدالله علم» نخست‌وزیر وقت می‌گویند: «جناب آقای نخست‌وزیر در نطق اخیری که ایراد نموده، فرموده‌اند که ما شروع به اصلاحات نموده‌ایم، ولی عده‌ای مانع این اصلاحات هستند، اگر نظر ایشان روحانیون و آخوندها هستند، روحانیون پشتیبان اصلاحات می‌باشند. هرآینه دولت کارخانه بسازد و فرهنگ را تقویت نماید و زراعت را با اصول جدید ترویج دهد و یا در پیشرفت صنعت و طب و بهداشت اقدام نماید، ما از دولت پشتیبانی می‌کنیم و کمک هم می‌نماییم» (بنگرید به صحیفه‌ی /امام ج ۱: ۱۲۲).

علاوه‌براین دقت در سیره‌ی عملی ایشان در دوره‌ی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز نشان می‌دهد که امام خمینی (ره) نقش مهمی در تحول همه‌ی ساختارهای سنتی به مدرن داشتند. به‌عنوان نمونه تأکید ایشان بر ساختار جمهوری به‌عنوان ساختار حکومت اسلامی در عصر حاضر و هماهنگ ساختن آن با مبانی و اصول اسلام، گام مهمی در ورود مفاهیم، نهادها و

ساختارهای مدرن به اندیشه‌ی سیاسی اسلام در عصر حاضر بوده است (کمالی اردکانی ۱۳۸۷: ۴۸).

امام خمینی (ره) در عین‌حالی که به‌صراحت اعلام می‌دارد که مخالفتی با استفاده از دستاوردهای مثبت تمدن جدید نداشته و اسلام نیز مخالف پیشرفت و تجدد نیست، اما در همان حال همواره با ترویج فساد به‌اسم تمدن و پیشرفت مخالفت می‌نمودند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد معمولاً مبلغان و مروجان تجدد در کشورهایی چون ایران به‌جای آن‌که از دستاوردهای مثبت و اساسی مدرنیته استفاده کنند، به نمودهای ظاهری و پوچ تمدن غربی تمسک کرده و از آن برای گسترش فحشا استفاده می‌کردند. امام خمینی (ره) در این مورد تأکید داشته‌اند: «شما مظاهر تمدن را وقتی که در ایران می‌آید هم‌چو از صورت طبیعی خارجش می‌کنید، که چیز حلال را مبدل به حرام می‌کنید. این رادیو ... این تلویزیون... ممالک متمدنه هم استفاده‌شان از این آلات جدید همین‌جور است که آقایان این‌جا استفاده می‌کنند» (بنگرید به صحیفه‌ی امام ج ۱: ۲۹۹). بنابراین امام خمینی (ره) در مقایسه با سنت‌گرایان، با ظواهر و دستاوردهای مادی تمدن غرب مخالف نیستند؛ آن‌چه که ایشان با آن مخالف هستند ابعاد فرهنگی و ارزشی تمدن غرب است که منافی ارزش‌های اسلامی و ترویج‌دهنده‌ی فساد و بی‌بندوباری در جامعه می‌باشد. براین‌اساس اندیشه‌ی سیاسی امام در راستای نحله‌ی فکری «شریعت‌گرایان» است زیرا آن‌ها نیز در پذیرش تکنولوژی مادی غرب مشکلی ندارند و آن بخش از تمدن غرب را اقتباس می‌کنند که با اسلام سازگار است.

۸) نحوه‌ی برداشت از سنت اسلامی

در مواجهه با سنت، سکولاریست‌ها یک موضع کاملاً نفی‌کننده اتخاذ نموده‌اند. آن‌ها به‌تبعیت از جریانات سنت‌ستیز موجود در غرب، در پی منسوخ کردن سنت‌های اسلامی هستند. در مقابل سکولاریست‌ها، تجددگرایان خواهان منسوخ کردن سنت‌ها نیستند، بلکه سعی بر پالایش و خرافه‌زدایی از سنت‌های اسلامی در سایه‌ی رویکردهای غربی دارند. شریعت‌گرایان در پالایش و حذف خرافات از سنت‌های اسلامی با تجددگراها هم‌سو هستند، اما معیار آن‌ها رویکردهای غربی نیست، بلکه مبنا قرآن و سنت اصیل پیامبر (ص) و ائمه‌ی اطهار (ع) است. نحله‌ی سنت-گرایان هم‌چنان که از نام آن‌ها واضح است، خواستار حفظ و پایداری سنت‌های اسلامی به‌شکل کنونی آن هستند و از هرگونه تغییر و پالایشی در این سنت‌ها به‌شدت اجتناب می‌کنند.

امام خمینی (ره) اندیشه‌ی سیاسی خویش را بر مبنای سنت رسول اکرم (ص) و حضرت علی (ع) استوار ساخته‌اند. ایشان در کتاب ولایت فقیه بیان می‌دارند که «سنت و رویه‌ی پیامبر اکرم (ص) بر لزوم تشکیل حکومت است. زیرا اولاً، خود تشکیل حکومت داد. و تاریخ گواهی می‌دهد که تشکیل حکومت داده، و به اجرای قوانین و برقراری نظامات اسلام پرداخته و به اداره‌ی جامعه برخاسته است؛ والی به اطراف می‌فرستاد، به قضاوت می‌نشسته، و قاضی نصب می‌فرموده، سفرایی به خارج و نزد رؤسای قبایل و پادشاهان روانه می‌کرد، معاهده و پیمان می‌بست، جنگ را فرمان‌دهی می‌کرد و خلاصه احکام حکومتی را به جریان می‌انداخته است. ثانیاً: برای پس از خود به فرمان خدا حاکم تعیین کرده است. وقتی خداوند متعال برای جامعه پس از پیامبر حاکم تعیین می‌کند به این معنی است که حکومت پس از رحلت رسول اکرم (ص) نیز لازم است. چون رسول اکرم (ص) با وصیت خویش فرمان الهی را ابلاغ می‌نماید، ضرورت تشکیل حکومت را نیز می‌رساند» (ولایت فقیه ۱۳۸۷: ۲۶ به نقل از لک‌زایی ۱۳۸۵: ۲۷).

«پس از رحلت رسول اکرم (ص) هیچ‌یک از مسلمانان در این معنی که حکومت لازم است تردید نداشت. هیچ‌کس نگفت که حکومت لازم نداریم. چنین حرفی از هیچ‌کس شنیده نشد. در ضرورت تشکیل حکومت همه اتفاق نظر داشتند، اختلاف فقط کسی بود که عهده‌دار این امر شود و رئیس دولت باشد. لهذا، پس از رسول اکرم (ص)، در زمان متصدیان خلافت و زمان حضرت علی (ع) هم حکومت تشکیل شده سازمان دولتی وجود داشت و اداره و اجرا صورت می‌گرفت» (ولایت فقیه ۱۳۸۷: ۲۸) و «حکومت در جمهوری اسلامی مورد نظر ما نیز از رویه‌ی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت خواهد بود و شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد گردید» (صحیفه‌ی امام ج: ۶: ۳۳۴). هم‌چنین امام در بحث از جایگاه و اهمیت ماه‌های «محرم و صفر» بر ضرورت حفظ سنت‌های اسلامی تأکید می‌ورزند: «انقلاب کردیم که شعائر اسلام را زنده کنیم، نه انقلاب کردیم که شعائر اسلام را بمیرانیم. زنده نگه داشتن عاشورا یک مسئله‌ی بسیار مهم سیاسی-عبادی است. فداکاری سیدالشهدا (سلام الله علیه) است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است؛ زنده نگه داشتن عاشورا با همان وضع سستی خودش از طرف روحانیون، از طرف خطباء، با همان وضع سابق و از طرف توده‌های مردم با همان ترتیب سابق که دسته‌جات معظم و منظم، دسته‌جات

عزاداری به عنوان عزاداری راه می‌افتادند. باید بدانید که اگر بخواهید نهضت شما محفوظ بماند، باید این سنت‌ها را حفظ کنید. البته اگر یک چیزهای ناروایی بوده است سابق و دست اشخاص بی‌اطلاع از مسایل اسلام بوده، آن‌ها باید یک‌قدری تصفیه بشود، لکن عزاداری به همان قوت خودش باید باقی بماند و گویندگان پس از این‌که مسایل روز را گفتند، رُوضه را همان‌طور که سابق می‌خواندند و مرثیه را همان‌طور که سابق می‌خواندند، بخوانند و مردم را برای فداکاری مهیا کنند» (بنگرید به *صحیفه‌ی امام* ج ۱۵: ۳۳۱).

در تطبیق و مقایسه‌ی نحله‌های فکری موجود و اندیشه‌ی سیاسی امام، باتوجه به اندیشه‌ی ایشان در تشکیل حکومت اسلامی بر پایه‌ی اسلام (بنا بر تعریف خود امام «اسلام ناب») و سنت رسول اکرم (ص) و علی (ع) و همچنین ضرورت حفظ سنت‌های اسلامی و زدودن خرافات از آن‌ها، اندیشه‌ی سیاسی امام درزمینه‌ی سنت نیز مطابق با نحله‌ی «شریعت‌گرایی» است. هرچند که سنت‌گرایان جدید نیز با توجه به نقدی که به مدرنیته در چهارچوب سنت‌های اسلامی دارند به اندیشه‌ی امام نزدیک می‌شوند.

۹) دلایل ظهور مسائل و مشکلات جوامع اسلامی

دیدگاه نحله‌های فکری ارائه‌شده نسبت به عوامل مؤثر در مسائل و مشکلات جوامع اسلامی آخرین معرفی است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود. در این زمینه نحله‌های سکولاریسم، تجددگرایان و سنت‌گرایان جدید بر نقش عوامل «درونی» متمرکز می‌شوند و شریعت‌گرایان و سنت‌گراها بر نقش عوامل «بیرونی» تأکید می‌کنند؛ هرچند که این نحله‌ها در نوع عواملی که مورد تأکید قرار می‌دهند با یک‌دیگر متفاوتند. امام خمینی (ره) در بیان عوامل مؤثر بر مسائل و مشکلاتی که جوامع اسلامی درگیر آن هستند به دو دسته‌ی عوامل بیرونی و درونی اشاره می‌کنند؛ نخست ایشان نقش استعمار و استعمارگران را بیان می‌دارند. با پیدایش استعمار و نیاز غرب به بازار، مواد خام و نیروی کار موجود در مشرق‌زمین، نگرانی غربیان از اتحاد و مبارزه‌ی مسلمانان در برابر منافع غرب، استعمارگران را بر آن ساخت تا با جدا کردن مسلمانان از حوزه‌ی سیاسی، به‌آسانی بتوانند بر امور اجتماعی آن‌ها تسلط یابند. امام بارها به این مسئله اشاره فرموده‌اند: «همه می‌دانیم و باید بدانیم که آن‌چه از قرن‌ها پیش تاکنون بر سر مسلمین آمده خصوصاً در یکی دو قرن اخیر که دست دولت‌های اجنبی به کشورهای اسلامی باز شده و سایه‌ی شوم آن‌ها بلاد مسلمین را به تاریکی و ظلمات کشانده است و ذخایر آنان را به باد فنا

داده و به‌طور مداوم می‌دهد، غفلت مسلمانان از مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام است که به‌دست استعمارگران و عمال غرب‌زده و شرق‌زده‌ی آنان به توده‌های مسلمانان محروم تحمیل شده است» (بنگرید به صحیفه‌ی امام ج ۱۸: ۸۸).

در ادامه امام به عوامل داخلی می‌پردازد و نقش عوامل غرب‌زده و مقدسین ناآگاه و دنیاپرست را در مسائل و مشکلات جوامع اسلامی بیان می‌دارند: «چپاول‌گران حيله‌گر کوشش کردند به‌دست عمال و به‌اصطلاح روشنفکر خود، اسلام را هم‌چون مسیحیت منحرف و به انزوا کشانند و علما را در چارچوب مسائل عبادی محبوس کنند؛ و ائمه‌ی جماعات را در مساجد و محافل عقد و ازدواج منزوی، مقدسین از توده را سرگرم ذکر و دعا و جوانان عزیز را سرگرم عیش‌ونوش، از صحنه‌ی امور سیاسی و اجتماعی و اهتمام به امور مسلمین و گرفتاری بلاد مسلمین خارج نمایند» (بنگرید به صحیفه‌ی امام ج ۱۸: ۸۹).

دسته‌ی دوم جماعتی هستند که امام آن‌ها را «مقدسین» می‌نامد: «امروزه جامعه‌ی مسلمین طوری شده که مقدسین ساختگی جلوی نفوذ اسلام و مسلمین را می‌گیرند و به‌اسم اسلام به اسلام صدمه می‌زنند. ریشه‌ی این جماعت، که در جامعه‌ی ما وجود دارد، در حوزه‌های روحانیت است. در حوزه‌های نجف، قم، مشهد و دیگر حوزه‌ها افرادی هستند که روحیه‌ی مقدس‌نمایی دارند؛ و از این‌جا روحیه و افکار سوء خود را به‌نام اسلام به جامعه سرایت می‌دهند. این‌ها هستند که اگر یک نفر پیدا شود بگوید بیایید زنده باشید، بیایید و نگذارید ما زیر پرچم دیگران زندگی کنیم، نگذارید انگلیس و آمریکا این‌قدر به ما تحمیل کنند، نگذارید اسرائیل این‌طور مسلمانان را فلج کند، با او مخالفت می‌کنند» (ولایت فقیه ۱۳۸۷: ۱۴۵).

پس در اندیشه‌ی سیاسی امام نقش هر دو دسته‌ی عوامل درونی و بیرونی مد نظر قرار گرفته است. ایشان در وهله‌ی نخست به نقش استعمار و استعمارگران در مسائل و گرفتاری‌های کشورهای مسلمان می‌پردازد و پس از آن نقش عوامل خودفروخته و غرب‌زده را همراه با نقش مقدسین ناآگاه و دنیاگرا مورد توجه و بررسی قرار می‌دهند. این جهت‌گیری اندیشه‌ی سیاسی امام را در راستای نحله‌ی «شریعت‌گرایی و سنت‌گرایی» قرار می‌دهد. زیرا نوع عوامل و راه‌حل‌هایی که امام مدنظر قرار می‌دهند با عواملی که سکولاریست‌ها و تجددگراها مد نظر دارند، متفاوت است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

در این مقاله کوشش شده است تا جایگاه اندیشه‌ی سیاسی «امام خمینی (ره)» را در طیفی که توسط «ویلیام شپرد» در زمینه‌ی طبقه‌بندی اندیشه و جهت‌گیری فکری اندیشمندان مسلمان ارائه شده است، تبیین و مشخص شود. در زمینه‌ی «اجتهاد»، هرچند که تجددگرایان اسلامی و سنت‌گرایان به عنصر اجتهاد در دین اعتقاد دارند، اما دیدگاهی که امام به اجتهاد دارند به شریعت‌گرایی نزدیک‌تر است. در زمینه‌ی «جهت‌گیری فکری» نیز اندیشه‌ی سیاسی امام باتوجه به هدف تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای قرآن و سنت ائمه (ع) در نحله‌ی شریعت‌گرایی قرار می‌گیرد. هرچند که سنت‌گراها و سنت‌گرایان جدید نیز بر اساس مشی اصول‌گرایانه‌ی خودشان به اندیشه‌ی سیاسی امام نزدیک می‌شوند، اما در مبانی فکری با هم اختلاف دارند. در بحث از «ایده‌ی پیشرفت و ترقی»، امام هم‌سو با نحله‌های سکولاریسم و تجددگرایان اسلامی خواهان پیشرفت و ترقی مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی است. اما ایشان برخلاف خواست و عقیده‌ی سکولاریست‌ها و تجددگراها به دنبال پیروی از یک سبک و الگوی غربی نیستند. امام هم‌چون شریعت‌گرایان بر رشد و توسعه‌ی مبتنی بر یک مدل اسلامی و ایرانی تأکید دارند. گرایش به «دنیا و آخرت» در اندیشه‌ی سیاسی امام نیز در راستای جهت‌گیری شریعت‌گرایی است؛ زیرا امام حکومت اسلامی را متولی سعادت و کمال مردم در دنیا و آخرت می‌داند. در بحث از «تفکر و عمل»، با توجه به این‌که امام بر ضرورت تشکیل حکومت اسلامی به‌صورت انقلابی تأکید دارند، اندیشه‌ی سیاسی ایشان در نحله‌های شریعت‌گرایی و سنت‌گرایی جدید قرار می‌گیرد. در زمینه‌ی «برداشت از دین»، امام اسلام را هم‌چون شریعت‌گرایان به‌عنوان یک دین کامل و جامع در نظر می‌گیرند که برای تمام ابعاد فردی و اجتماعی حیات انسان‌ها برنامه دارد. برخورد امام با «مدرنیته» نیز مطابق با نحله‌ی فکری شریعت‌گرایی است؛ زیرا امام مخالف با دستاوردهای تمدن غرب نیستند. آنچه که امام به‌شدت با آن مخالفت می‌ورزند، آثار فرهنگی و فاسدکننده‌ی تمدن غرب است. در رابطه با «سنت‌های اسلامی»، با توجه به این امر که امام اندیشه‌ی سیاسی خویش را بر مبنای سنت اصیل اسلامی قرار می‌دهند و بر ضرورت حفظ سنت‌ها و زدودن خرافات از آن‌ها تأکید می‌ورزند، اندیشه‌ی سیاسی ایشان در قالب نحله‌های شریعت‌گرایی و سنت‌گرایی جدید قرار می‌گیرد. در رابطه با «دلایل ظهور مسائل و مشکلات جوامع اسلامی»، اندیشه‌ی سیاسی امام مطابق با دیدگاه شریعت‌گرایی و سنت‌گراها است. امام

نقش هر دو دسته عوامل داخلی و خارجی را در ظهور و بروز مسائل و مشکلات جوامع اسلامی مورد توجه قرار داده‌اند.

در نتیجه، براساس مطالعه و تطبیق اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره) با معرف‌های ارائه‌شده در طیف ویلیام شپرد، اندیشه‌ی سیاسی امام نزدیک به «شریعت‌گرایی اسلامی» و متمایل به «سنت‌گرایی جدید» قرار می‌گیرد. لکن با این تفاوت که گرایش اندیشه‌ی سیاسی امام به شریعت‌گرایی بیش‌تر از سنت‌گرایی جدید است؛ زیرا اندیشه‌ی سیاسی امام بیش‌ترین مشابهت و نزدیکی فکری را در مرتبه‌ی نخست با شریعت‌گرایی و پس از آن با سنت‌گرایی جدید دارد.

کتاب‌نامه‌ی فارسی

۱. افشار کهن، جواد. (۱۳۸۳). *سنت‌گرایی و تجددگرایی*. تهران: انتشارات آوای نور.
۲. بشیری، حسین. (۱۳۷۶). *تاریخ اندیشه‌ی سیاسی در قرن بیستم*. تهران: نشر نی.
۳. بشیری، حسین. (۱۳۷۸). «گسترش امواج تجدد در سطح جهان». *فصلنامه‌ی نقد و نظر*. سال پنجم. شماره‌ی اول و دوم. قم: انتشارات سازمان تبلیغات.
۴. پناهی، محمدحسین. (۱۳۸۹). *نظریه‌های انقلاب*. تهران: انتشارات سمت.
۵. حقیقت، سید صادق. (۱۳۸۹). *مبانی اندیشه‌ی سیاسی در اسلام*. تهران: انتشارات سمت.
۶. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۴). *اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره)*. تهران: انتشارات پژوهشکده‌ی امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۷. خمینی، روح الله. (۱۳۸۵). *صحیفه‌ی امام*. جلد ۲۲. تهران: انتشارات مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام.
۸. خمینی، روح الله. (۱۳۸۷). *ولایت فقیه*. تهران: انتشارات مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی. چاپ چهاردهم.
۹. رجایی، فرهنگ. (۱۳۷۲). *تحول اندیشه‌ی سیاسی در شرق باستان*. تهران: نشر قومس.
۱۰. ساروخانی، باقر. (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. جلد اول. تهران: انتشارات سمت، چاپ دوازدهم.
۱۱. سروش، عبدالکریم و دیگران. (۱۳۸۲). *سنت و سکولاریسم*. تهران: انتشارات مؤسسه‌ی معرفت و پژوهش.
۱۲. فوزی، یحیی. (۱۳۸۴). *اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره)*. قم: دفتر نشر معارف.
۱۳. کجویان، حسین. (۱۳۹۱). *انقلاب اسلامی ایران و انفتاح تاریخ*. تهران: انتشارات سوره‌ی مهر.

۱۴. کمالی اردکانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). «امام خمینی و بازسازی هویت ملی در ایران». فصلنامه‌ی حضور. شماره‌ی ۴۵.
۱۵. لک‌زایی، شریف. (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی نظریه‌های ولایت فقیه. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۶. ملکیان، مصطفی. (۱۳۸۰). «سنت، تجدد و پساتجدد». جزوه‌ای در دانشگاه صنعتی شریف. پلی‌کپی.
۱۷. نصر، حسین. (۱۳۸۵). دین و نظام طبیعت. ترجمه‌ی مصطفی شهرآیینی. تهران: نشر نی.
۱۸. نصر، حسین. (۱۳۷۹). نیاز به علم مقدس. ترجمه‌ی حسن میان‌داری. تهران: موسسه‌ی فرهنگی طه.

کتاب‌نامه‌ی لاتین

1. Sheperd E. W. (1987). "Islam and Ideology: Towards a Typology". *International Journal of Middle East Studies*. Vol 19. Cambridge: Cambridge University Press.